

دلالت‌های تربیتی دعای عرفه در ساحت تربیت توحیدمدار

با تکیه بر روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی

محمد بهشتی*

چکیده

هدف پژوهش حاضر بیان روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی در ساحت تربیت توحیدمدار با تکیه بر دعای عرفه، با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی است. سؤال پژوهش این است که روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی در کلام و بیان حضرت امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: ۱. دعای عرفه از آغاز تا انجام بر مدار توحید ایراد شده و با وجود مضامین متکثر و متعدد یک متن جامع و به هم پیوسته در موضوع توحید و مشحون از دلالت‌های تربیتی است؛ ۲. در منشور تربیتی دعای عرفه، روش‌های ویژه‌ای برای پرورش دادن و ربانی شدن انسان مورد تأکید قرار گرفته، و در ساحت تربیت اخلاقی عرفانی مشتمل بر روش‌های تربیتی در خور توجه است؛ ۳. روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی دعای عرفه در دو زمینه خودتربیتی و دیگر تربیتی است. در این مقاله روش‌هایی که در هر دو زمینه کاربرد دارد مورد بررسی قرار گرفته است؛ ۴. در این مقاله روش یادآوری نعمت‌های خداوند، روش تربیتی تضرع، روش تربیتی ایجاد امید، روش مثبت‌اندیشی، روش آخرت‌گرایی، روش التزام به اخلاق و روش محبت مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: امام حسین، دعای عرفه، توحید، روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی.

* عضو گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

mbeheshti@rihu.ac.ir

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۴/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱

مقدمه

دعا، رابطه مخلوق با خالق و بریدن از تعینات و تعلقات مادی است و نوید لقا و وصال یار می‌دهد و بی‌تردید حیات راستین همین است. در آموزه‌های قرآنی، روایی و عرفانی دعا به عنوان روح عبادت، پایه و اساس دین، نور آسمان‌ها و زمین کلید پیروزی و موفقیت و سلاح مؤمن دانسته شده است (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۴۶۸). امام صادق علیه السلام چه زیبا و شکوهمند می‌فرماید: اگر مردمان لذت و نشاط ارتباط با باری تعالی را می‌یافتند، اصلاً به لذت‌های دنیا نگاه نمی‌کردند و دنیا نزد آنان چونان خاک زیر پایشان بود؛ زیرا واصلان وصال یار از لذتی برخوردار می‌شوند که گویی همراه اولیای الهی در باغ‌های بهشت در آسایش و آرامش‌اند (فیض کاشانی، ۱۳۴۲ ق، ص ۱۵۶). دعا تنها این نیست که نام خدا بر زبان جاری شود و نیایش و ارتباط ظاهری صورت پذیرد و صفحاتی از دعا خوانده شود این دعا و نیایش خیلی دشوار نیست و مانعی بر سر راه ندارد، بلکه نیایشگر باید از صمیم قلب متوجه خدا شود و به او روی آورد و او را همه‌جا حاضر و ناظر بداند و خود را در محضر خدا بیابد و با او سخن گوید. در این صورت دعا آثار شگرفی در وجود انسان پدید می‌آورد؛ از جمله: آرامش و نشاط قلبی، جلب نظر الهی، قدرت روحی، معنادار شدن زندگی، یافتن حقیقت حیات، دریافت فقر و ناداری خویش، احساس پیوند با غنی مطلق و آثار دیگر.

بی‌تردید، آن کسی که با خدا نیایش می‌کند و دعا می‌خواند هرچه خود را کم ببیند و بیشتر مقصر بداند و نعمت‌های خدا را بزرگ و عبادت و سپاس و شکر خود را کوچک و حق خداوند را بزرگ و خود را در معرض عقاب الهی بداند، حال حضور و قُربش به خدا بیشتر و عروج و صعودش کامل‌تر است. اولیای الهی به دلیل اینکه عظمت خدا بر جان و دل آنها نشست و فقر و نیاز و وابستگی خود را به خداوند به صورت عمیق یافته‌اند و در اوج مقام معرفت به خدا قرار دارند و حالات روحی آنان بسیار متفاوت با دیگران است، ادعیه آنان سرمایه‌های بسیار بزرگ و میراث‌های ماندگاری است که از خود به جای گذاشته‌اند (آیت‌الله صافی، ۱۳۷۸، ص ۲۸).

بنابراین یکی از برکات وجود نورانی ائمه هدی علیهم السلام دعاهایی است که آن ذوات مقدس انشاء کرده‌اند، آن هم با شرایط روحی ویژه آنان، اگر نمی‌بود این ادعیه، چگونه می‌توانستیم با خداوند سبحان نجوا کنیم، نمی‌دانستیم چه بگوییم؟ چگونه بگوییم؟ از کجا شروع کنیم؟ به کجا برسائیم؟ چه بخواهیم؟ چگونه بخواهیم؟ و چنان‌که می‌دانیم بشر به حکم فطرت خویش نیاز جدی به نیایش و دعا دارد و قلبش متوجه کمالی است که نقص ندارد، و عاشق جمالی است که عیب ندارد و متوجه قدرتی است که ضعف و عجز در آن نیست؛ پس باید نیایشی حیات‌بخش داشته باشد،

ادعیه ائمه هدی (علیهم‌السلام) ارتباط و تماس بی‌نهایت کوچک را با بی‌نهایت بزرگ با بیانی بی‌اندازه رسا، شیوا، جالب و جاذب و پرمعنا بیان می‌کنند و آرامش و سکونت وصف‌ناپذیری به ارمغان می‌آورند و موجب صفا و نورانیت دل می‌شوند و جان را آماده تابش انوار ربانی و تجلیات الهی می‌گردانند و روح و ریحان به وجود می‌آورند (همان، ص ۲۹).

دعای عرفه، یکی از ادعیه پُر معنا، جالب، جذاب و بسیار شیوا است. این دعا توسط حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه‌السلام) در سال ۵۷ هجری قمری چهار سال قبل از شهادت آن حضرت در نقطه‌ای از عرفات، مجاور جبل‌الرحمه ایراد شده است؛ این دعا در منابع معتبر روایی و دعایی از جمله در اقبال‌الاعمال، ص ۶۵۱؛ مصباح‌الزائر، ص ۳۵۱؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۲۵ و در مفاتیح‌الجنان نقل شده است.

دعای عرفه مشتمل بر حقایق و مفاهیم بسیار بلند است که این‌گونه حقایق تنها از معصوم امکان صدور دارد؛ از علامه طباطبایی چنین نقل شده است؛ کیست که بتواند این‌گونه حقایق را بیان کند، ما با صرف عمری در فلسفه و عرفان اصلاً به ساخت و پرداخت این‌گونه عبارات قادر نیستیم و تنها از امام معصوم (علیه‌السلام) ساخته است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸، ج ۱۴، ص ۴۵). بنابراین با این بیان می‌توان گفت: محتوای بلند دعای عرفه نشانه صدور این دعا از زبان امام معصوم (علیه‌السلام) است. طبق اصل معروف «دلالته تغنی عن السند» محتوای بسیار با عظمت این دعا ما را از بررسی سندی بی‌نیاز می‌سازد.

وانگهی، شخصیت سیدابن‌طاووس و مراتب قدس و تقوا و دقت نظر و احتیاط عالمانه او نقطه قوتی در جهت اعتبار سندی دعای عرفه است زیرا ایشان این دعا را در اقبال با صراحت، دعای امام حسین (علیه‌السلام) می‌داند و این‌گونه دعا را نقل می‌کند: روی بشر و بشیر. اینکه به قطع، ناقلان دعا را بشر و بشیر دانسته و روی ندارد بلکه روی است نشان می‌دهد که سیدابن‌طاووس به منبع و یا واسطی که دعای عرفه را از بشر و بشیر نقل کرده، اطمینان داشته؛ علاوه بر اینها فحول علمای دین بر این دعا توجه ویژه داشته‌اند (سیدبن‌طاووس، ۱۳۷۵، ص ۳۴۷) به‌هرحال، دعای عرفه دارای ویژگی‌هایی است:

۱. دعای عرفه با وجود مضامین متکثر و متنوع یک متن جامع و به هم پیوسته، یکپارچه و دارای پیوندی منطقی و هماهنگ در موضوع توحید است.
۲. دعای عرفه با ظرفیت والایی که دارد دارای ابعاد معرفتی گوناگون است؛ از جمله هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معادشناسی و بیان سبک زندگی.
۳. دعای عرفه مبتنی بر بنیان‌های دقیق علمی و دربردارنده معارف ناب زیست‌شناسی، فیزیولوژیکی و روان‌شناسی است.

۴. دعای عرفه در زمینه تربیت اخلاقی عرفانی مشتمل بر روش‌های تربیتی در خور توجه است.

۵. دعای عرفه در عین پُرباری محتوا، بیانی عرفی و رسا دارد؛ به گونه‌ای که مردم هر عصر و زمان به مقتضای فهم‌شان از آن بهره‌مند می‌شوند.

۶. دعای عرفه افزون بر جنبه معنای ظاهری و لایه‌های باطنی معنایی، مشتمل بر جنبه‌های عاطفی و بیانگر سوز و گدازهای باطنی است.

۷. دعای عرفه متنی است که برای مطالعه و تحقیق و استنباط و استخراج مطالب عمیق‌تر، استعداد فزاینده دارد و دارای لایه‌های معرفتی است.

در اینجا دو نکته یادآوری می‌شود: ۱. بنیادی‌ترین پایه دین توحید است و از دل توحید، معاد، وحی و نبوت و امامت و همه عبادات و اعمال صالحه و تمامی معارف و تعالیم دینی منشعب می‌شود، توحید محور هرگونه اصلاح اخلاقی، تغییر صفات و رفتارهای انسان است و بدون آن هرگز نمی‌توان از رذایل پیراسته و به فضائل آراسته شد و به صفای دل، نورانیت باطن و به آرامش رسید؛ با نگاه جامع و کلان به دعای عرفه به این نتیجه می‌رسیم که بنیان اول و آخر دعای عرفه توحید است؛ این دعا با توحید آغاز می‌شود و با توحید ادامه پیدا می‌کند و با توحید به پایان می‌رسد، از این رو در این مقاله در آغاز به عنوان بنیان تربیت از توحید سخن می‌گوییم و در مفهوم‌شناسی از توحید و اقسام توحید به اختصار بحث می‌کنیم.

۲. چنان‌که می‌دانیم، بخش کاربردی فرایند تربیت، روش‌های تربیت است، چون بدون به کارگیری تدابیر عملی و روش‌های رفتاری دستیابی به اهداف و اصول تربیت میسر نیست، از این رو در ساحت تربیت اخلاقی عرفانی تأکید ما بر روش‌هاست و معیار ما در انتخاب این روش‌ها دو امر است؛ یکی اینکه، روش‌هایی را انتخاب کرده‌ایم که مستند آنها دعای عرفه است و در آموزه‌های این دعا بدان‌ها پرداخته شده، یا اشاراتی گویا بدان‌ها شده است. دوم اینکه روش‌هایی هستند که تناسب بیشتری با تربیت اخلاقی عرفانی دارند؛ بنابراین پس از مفهوم‌شناسی و سخنی به اختصار درباره توحید، روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

مفهوم‌شناسی

دعا در لغت به معنای خواندن، خواستن، صدا کردن، دعوت کردن و متمایل ساختن چیزی به سمت خود با صدا و گفتار است (ابن فارس، ۱۳۴۰ه.ق، ج ۲، ص ۲۷۹) و در اصطلاح شرع به معنای خواندن و خواستن و ارتباط با خدا و گفتگو کردن با اوست؛ خواه به منظور طلب حاجت و

درخواست حل مشکلات باشد و یا بیان حاجتی در آن نباشد، بنابراین دعا مجرد خواندن خدا و با خدا سخن گفتن است (ابن منظور، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۱، ص ۲۵۷). البته از آنجاکه دعا ارتباط فقر مطلق با غنی مطلق است احساس فقر و ناداری و وابستگی دائمی به خداوند در آن نهفته است. دو نکته در خور دقت است؛ اول اینکه دعا به هر زبان و به هر بیان باشد دعاست و برای آن الفاظ خاصی معین نشده است و هرکس می‌تواند به قدر معرفت خود و بدون واسطه کسی، با خدای خود رابطه دعایی برقرار نماید و هیچ آداب و ترتیبی را نجوید و هرچه می‌خواهد با خداوند در میان بگذارد اما دعا خواندن به وسیله ادعیه ائمه اطهار علیهم‌السلام افضل و اکمل است زیرا آنان که در اوج معرفت به خدا قرار دارند، می‌دانند که خدا را چگونه باید خواند و چگونه مخاطب قرار داد و چه حوائجی را از او خواست. دوم) برای کمال دعا و استجاب آن شرایط و آدابی است؛ چنان‌که برای استجاب دعا نیز موانعی است. شرایط استجاب دعا به لحاظ زمان، مکان، موقعیت داعی، مقدمات و مؤخرات دعا و امور دیگر است که تأثیر دعا را سریع می‌سازد و آن را به اجابت می‌رساند، و نیز برای استجاب دعا موانعی است که باید برطرف شود مثل لقمه حرام، کسب نامشروع، گناه، ادعای بندگی خدا به گزاف، ادعای دشمنی با شیطان به گزاف، دست از تلاش برداشتن و...

عرفه

این واژه از ماده (عَرَفَ) است و عَرَفَ اخص از عِلِمَ است و به معنای ادراک، فهم و شناختن چیزی همراه با تفکر و تدبیر در آثار آن می‌باشد (راغب‌اصفهانی، ۱۳۳۲ق، ص ۳۳۱) نام عرفه از سرزمین عرفات گرفته شده است و چنان‌که گفته‌اند آن مکان به دلیل اینکه زمینی مشخص و شناخته شده بوده، آن را عرفات نامیده‌اند؛ بنابراین دعای عرفه، دعایی است که در آن سرزمین شناخته شده به وسیله حضرت سیدالشهداء امام حسین علیه‌السلام خوانده شده است.

مرحوم محدث قمی در مفاتیح چنین آورده است: بشر و بشیر فرزندان غالب اسدی نقل کرده‌اند که در آخرین ساعات روز عرفه در عرفات در خدمت امام حسین علیه‌السلام بودیم که آن حضرت با جمعی از خاندان و فرزندان و شیعیان از چادر بیرون آمدند و در طرف چپ کوه با نهایت خضوع و خشوع ایستادند و روی مبارک را به طرف کعبه گردانیده، دست‌ها را مقابل صورت بلند کردند و این دعا را خواندند.

تربیت

واژه تربیت از ریشه رَبَّوْ یا رَبَّبَ اشتقاق یافته و به معنای فزونی دادن، پرورش دادن، پروردن و پرورش یافتن و سوق دادن به سوی کمال است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۹۴-۹۵).

صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت و دانشوران علوم تربیتی به اقتضای نگرش خود تربیت را تعریف کرده‌اند؛ اما باید اعتراف کنیم به رغم تعریف‌های فراوانی که از واژه تربیت شده، تلاش برای یافتن تعریف جامع و کامل و مورد پسند همه صاحب‌نظران بس دشوار است؛ زیرا انسان به عنوان موضوع تربیت، موجودی ناشناخته است و همواره و گاه‌گاه جنبه‌ای از شئون وجودی او مکشوف می‌شود و همچنان تربیت چنین موجود ناشناخته کامل و کامل‌تر می‌شود؛ وانگهی، تعریف تربیت با نوع نگاه افراد به انسان و جهان، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌ها ارتباط وثیق و عمیق دارد و با لحاظ نوع نگاه، تعریف تربیت نیز متعدد می‌شود و هر دانشوری بر پایه نوع رویکرد خود و براساس مفروضات خود تربیت را تعریف می‌کند.

به نظر می‌رسد: تربیت شکوفاسازی و تغییر و تحول عینی همه قابلیت‌ها و توانمندی‌های درونی و نیز اصلاح و تغییر و تحول صفات ظاهری و باطنی به منظور رشد هماهنگ و متوازن همه جنبه‌های آدمی است تا به توحید که حیات طیبه و کمال مطلوب است، نائل آید (محمد بهشتی، ۱۳۹۷، ج ۶، ص ۳۵). در تعریف فوق پنج امر مورد توجه قرار گرفته است: ۱. قابلیت‌های بالقوه متربی؛ ۲. تغییر و تحول تدریجی؛ ۳. عوامل و موقعیت‌های تأثیرگذار؛ ۴. شکوفایی و تحقق عینی قابلیت‌ها؛ ۵. هدف، به نظر می‌رسد فرایند تحول و فعلیت پیدا کردن قابلیت‌های بالقوه متربیان در ادوار مختلف زندگی و در شرایط سنی گوناگون و موقعیت‌های متفاوت انجام‌پذیر است.

تربیت اخلاقی عرفانی

فرایند شناختن فضایل و رذایل و پرورش و تثبیت فضایل و پیراستگی از رذایل و تزکیه و تهذیب نفس به منظور پرورش و عروج روح و طی مدارج کمال از مرحله سیر الی‌الله تا وصول‌بالله تربیت اخلاقی عرفانی است (محمد بهشتی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۹-۱۷۸).

روش

روش در لغت به معنای راه، سبک، شیوه، طریقه و فن است. و در اصطلاح دانش تربیت، روش‌ها تدابیر عملی خاصی هستند که فرایند تربیت را به ثمر می‌رسانند و بدون آنها دستیابی به اهداف و اصول تربیت میسر نیست (همان، ۱۳۹۸، ص ۲۵۱).

توحید

این واژه مصدر باب تفعیل و به معنای از کثرت روبه وحدت رفتن و جهات کثرت را در وحدت مستهلک ساختن و در غایت وحدت و نهایت بساطت قرار دادن است (امام خمینی، ۱۳۸۸،

ص ۶۵۰). امام خمینی رحمته‌الله می‌فرماید: اصل توحید به معنای یگانه دانستن خداوند در غایت یگانگی و نهایت بساطت دانستن خداوند است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۹۳-۹۴).

عارف نامدار شیعی، سیدحیدر آملی (م ۷۸۷ق) توحید را سرّ اعظم، بنیان اول و آخر عرفان و آخرین منزل و مقام در سیر و سلوک الی‌الله دانسته است (آملی، جامع‌الاسرار، ص ۱۶). وی، تمام کمالات و مقامات معنوی و عرفانی را وام‌دار توحید و آن را از پیچیده‌ترین و ژرف‌ترین مسائل عرفانی می‌داند (همان، ص ۴۹-۵۰) و در کتاب عرفانی خویش جامع‌الاسرار، به تبیین زوایا و اسرار توحید می‌پردازد و این اثر را به حق جامع اسرارالتوحید نام داده است.

امام خمینی رحمته‌الله نیز توحید را اصل اصول معارف و مقصد اعلای رسالت پیامبران و مقصد اصلی قرآن و حدیث و غایت القصوای سیر انسان و منتهی‌النهاییه سلوک عرفانی و خاستگاه و مبدأ اکثر فروع ایمانی و معارف الهی و جمیع اعمال صالحه و اخلاق متعالی و اوصاف کامل روحی و صفات نورانی قلبی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۱۱، ۵۷-۵۸ و ۸۹).

اقسام توحید

عارفان بلند پایه و فیلسوفان متأله برای توحید اقسام گوناگونی ذکر کرده‌اند، اما در این مقاله، اقسام توحید براساس آثار و نتایج هر یک تبیین می‌شود؛ آثاری که از حد نازل آغاز و به عالی‌ترین مرتبت می‌رسد:

۱. توحید زبانی: کسی که می‌گوید لا اله الا الله در زمره مسلمانان قرار می‌گیرد و جان و مال او محترم خواهد بود، اما این قسم توحید، موجب آرامش دل و اطمینان خاطر نیست و برای مسلمان شور و شوق و عشق نمی‌آورد؛ این توحید، تشنه کمال را سیراب نمی‌سازد و در آخرت موجب ترفیع مرتبت نمی‌گردد (فیض‌کاشانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۳۱۲).
۲. توحید ایمانی: این قسم از توحید در میان عموم مؤمنان رایج است و آن یگانه دانستن خدا در ذات و صفت و فعل است اما در حدّ علم‌الیقین است. این توحید از راه برهان، قرآن و حدیث اثبات می‌گردد اما آثار چندانی ندارد و توحید به جان و دل راه پیدا نکرده و موجب آرامش دل، و رفع اضطراب نمی‌شود و شور و شوق و عشق هم نمی‌آورد (همان).
۳. توحید افعالی: انسان مؤحد پس از مراقبت‌های طولانی این حقیقت برای او مکشوف می‌گردد که موجود حقیقی و مؤثر مطلق و مسبب‌الاسباب و مبدأ کائنات و تدبیرها خداوند است و علل و عوامل ظاهری ابزاری و اسبابی بیش نیستند یعنی تنها علل اعدادی و زمینه سازند و این دست قدرتمند خداوند است که در پس اسباب و مسببات و علل و عوامل -جهان هستی و همه پدیده‌های زمینی و آسمانی را اداره می‌کند و هر چیزی را در جای خود می‌آفریند و تدبیر می‌کند.

سالکی که به این توحید راه یابد به سه نتیجه دست پیدا می‌کند: اول) به فقر و نیاز و وابستگی همه موجودات پی می‌برد و از علل ظاهری منقطع، و مؤثر مطلق را فقط خدا می‌داند. دوم) سالکی که به این مقام دست یازد به عزت و کرامت می‌رسد و هرگز تن به گناه، تملق و چاپلوسی نمی‌دهد. سوم) موحد به توحید افعالی دریا دل است و سعه صدر دارد و در برابر ناملایمات و سختی‌ها تسلیم نمی‌شود (همان، ص ۱۳۱۳).

۴. توحید صفاتی: سالک پس از توحید افعالی به توحید صفاتی بار می‌یابد و مشاهده می‌کند که هر کمال و صفت کمالی، اصالتاً از آن خداوند است و هر صفتی از صفات کمالی در هر انسانی، پرتویی از صفت مطلق اوست پس هر جا علم و قدرت است، آن را اثری از علم و قدرت او می‌داند و کمالات و خصایصی که در خلق می‌بیند، همه را سایه‌ها و جلوه‌هایی از صفات حق تعالی می‌داند، همه این دریافت‌ها و چشیدن‌ها تنها با صفای روح و نورانیت دل میسر است. نتیجه توحید صفاتی، انبساط و شادی باطنی غیر قابل توصیف است. این مرتبه از توحید را توحید عین‌الیقینی نیز نام نهاده‌اند چون سالک به عین‌الیقین درمی‌یابد، جز خدا هیچ‌کس علم، قدرت، حیات، اراده و... ندارد و همه علم‌ها و قدرت‌ها و... به علم و قدرت او برمی‌گردد و چون به منبع حیات دست یافته شادی او بیکران است (فیض‌کاشانی، ۱۳۴۲ق، ص ۳۵).

۵. توحید ذاتی: سالک در سیر تکاملی خویش، به توحید ذاتی می‌رسد و به یقین می‌یابد که هستی منحصر به خداست و غیر از او موجودی نیست و هر ذاتی، فروغی از نور ذات اوست و تمامی مخلوقات و همه اشیاء سایه‌ها و نمودها و تجلیاتی از او هستند و جهان آئینه اوست، کسی که به توحید ذاتی بار یافت در بحر شهود ذات غرق می‌شود و چه بسا به کلی از احوال خود و خلق بی‌خبر می‌شود و بدین مقام می‌رسد که «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلدَّيِّ فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام، ۷۹). من از روی اخلاص روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمان‌ها و زمین را آفریده و من از مشرکان نیستم (همان، ص ۳۵).

روش‌های تربیت اخلاقی عرفانی

دعای عرفه نسیمی روح‌نواز از ابدیت است که جان ما را می‌نوازد و محتوای پر راز و رمز آن با نغمه‌های توحیدی جان‌فزا در اعماق روح ما نفوذ می‌کند و ما را از وحشت فنا و زوال‌رهایی می‌دهد و غریت غریبه و وحشت‌زای ما را به انس مبدل می‌سازد. در این دعا حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه‌السلام) فضایل اخلاقی را آموزش می‌دهد و با تکیه بر روش‌های خاص گام به گام روح آدمی را پرورش می‌دهد و او را ربّانی می‌سازد؛ این روش‌ها عبارت‌اند از:

۱. یادآوری نعمت‌های خداوند

بخش بزرگی از دعای عرفه به روش تربیتی نافذ و دلنشین یادآوری نعمت‌های خداوند به‌ویژه نعمت‌های خلقت اختصاص دارد و در ضمن به مسائل مهمی از علوم متعدد چون زیست‌شناسی، جنین‌شناسی، معرفه‌الاعضاء، فوائداالاعضاء، تشریح و غیره اشاره شده است و متضمن بیان ربوبیت خداوند متعال و فقر و نیاز و وابستگی بنده به اوست.

نعمت‌های خداوند قابل شمارش نیست و چنانچه تمام موجودات و شمارش‌گران و شمارش‌کنندگان بخواهند نعمت‌های خداوند را شمارش کنند از آن عاجزند، مگر نه این است که خداوند کریم در قرآن مجید می‌فرماید: «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (ابراهیم، ۳۴) اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید تعداد آن را احصا کنید، اما بالای حقیقت سوز و حیات برافکن غفلت است که نمی‌گذارد آدمی نعمت‌های بی‌شمار و نیز آفریننده نعمت‌ها را ببیند. این آفت بزرگ در همه زمان‌ها و مکان‌ها و در تمامی شرایط و موقعیت‌ها سد راه انسان می‌شود و راه را بر او می‌بندد، در این میان روش تربیتی بسیار مؤثری وجود دارد که خداوند و رسولان الهی از آن برای پرورش انسان و غفلت‌زدایی بسیار بهره‌برده‌اند و آن روش یادآوری نعمت‌های خداوند است.

حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام) در عبارت‌های متعدد دعای عرفه از این روش مهم تربیتی استفاده کرده و شکوه و جمال آفرینش انسان را نشان داده، و در قالب مناجات و گفتگوی با خدا عنایات و تربیت‌های مرحله به مرحله خداوند را متذکر شده است و به نعمت‌های گوناگون آفرینش انسان، امنیت، حفاظت، تغذیه، تکلم، درک و فهم تا نعمت رسالت انبیاء و نعمت انواع معاش و اموری که معیشت و زندگی آدمی بدان قوام دارد اشاره کرده است.

بی‌تردید، قانون حیات انسان در این جمله و حیانی خلاصه می‌شود؛ «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) ما همه از آن خداییم و به سوی او باز می‌گردیم. حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه این قانون با عظمت حیات را تبیین فرموده است و نعمت‌های باری تعالی را یادآور شده است که آنچه از بالا شروع شده است در پایین پایان نمی‌یابد، بلکه ما ز بالاییم و بالا می‌رویم، اگر بخواهیم آنچه را سالار شهیدان در باب یادآوری نعمت‌های خداوند بیان داشته، در اینجا بیاوریم در ظرفیت این مقال نیست از این‌رو به یک نمونه بسنده می‌کنیم:

إِبْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً - وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ آمِناً
لِرَيْبِ الْمُنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينِ - فَأَبْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَيِّئِي يُمْنِي وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ
بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ - ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَامَماً سَوِيّاً - وَحَفِظْتَنِي فِي التَّمْهِدِ
طِفْلاً صَبِيّاً - وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً - وَعَظَّمْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرَّوَاحِمَ
سید ابن طاووس، اقبال‌الاعمال، ص ۶۵۲ (مفاتیح‌الجنان).

ترجمه: بارالها: از نعمت‌های بی‌چون تو بود که مرا آفریدی پیش از اینکه قابل ذکر باشم - مرا از خاک آفریدی و سپس در منزلگاه صُلب پدرانم قرار دادی؛ در حالی که از حوادث زمانه و رفت و آمد روزگار و گذشت سالیان مرا ایمنی بخشیدی و نگذاشتی هیچ چیزی مانع از ادامه وجودم شود - ابتدای آفرینش مرا از قطرات مَنی ابداع فرمودی - و در نهان‌گاه سه‌گونه گوشت و خون و پوست (جنینی) جایم دادی - سپس ای خالق توانا مرا از نهانخانه رحم مادر در مجرای مشیت سابقه از هدایت، با آفرینش کامل و زیبا به دنیا آوردی - آنگاه در گهواره با حفظ و حراست تو، دوران کودکی را سپری نمودم و از بین غذاها شیر گوارا نصیبم کردی و دل دایه‌ها را بر من مهربان نمودی و مادران پر مهر را به پرستاری ام گماشتی...

تحلیل: در این متن دلنشین دعا سه نکته در خور توجه است؛ اول) اینکه حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) از نعمت‌هایی سخن گفته که غالباً مورد غفلت است؛ اکثر افراد به جهت محدودیت اندیشه و ظرفیت پایین تنها چیزهایی را نعمت می‌دانند که برای آنان لذیذی را جلب و یا ناگواری‌هایی را از آنان دفع نماید، اینان نمی‌خواهند با عظمت و جود خورش آشنا شوند و گرنه همه پدیده‌های ریز و درشت را نعمت‌های خداوند تلقی می‌نمودند. دوم) حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) در یادآوری نعمت‌های خدا آن‌سان رسا، شیوا و جامع و کامل سخن گفته که هر شخصی متوجه می‌شود که از آغاز وجودش در این دنیا و قبل از آن در نعمت‌های الهی غوطه‌ور بوده است؛ نعمت خلقت، عبور از خاک و قطره‌های مَنی، صلب پدر، قرار در منزلگاه رحم مادر، امنیت و حفاظت، آفرینش کامل و زیبا، نعمت غذا، شیر مادر، مهر مادر، محبت دایه‌ها و پرستاران، نعمت رشد و نمو و هزاران نعمت دیگر که برخی از آنها در عبارات‌های دیگر دعا آمده است. سوم) آنچه در بیان شیرین و دلنشین حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) در زمینه یادآوری نعمت‌های خداوند آمده است به دو هدف، هدف‌گزاری شده است: ۱. اظهار عجز و ناتوانی در برابر شکر نعمت‌های بی‌کران خداوند به گونه‌ای که اگر کسی هفتادها سال عمر کند و تلاش کند شکر یکی از نعمت‌های خدا را بجا آورد امکان ندارد مگر این‌که خداوند خود عنایت کند که این هم سپاس تازه‌ای را واجب می‌کند، ۲. بی‌تردید یادآوری نعمت‌های خداوند هدایت‌ساز است و جان و دل را برای پذیرش حق آماده می‌سازد و زمینه‌ای فراهم می‌آورد که آدمی نعمت و استفاده از نعمت را وسیله حرکت تکاملی خویش قرار دهد و مدارج کمال و ترقی را طی کند و به عجائب حکمت خدا آگاه شود و به نعمت‌های خداوند با دیده بصیرت بنگرد و بنده و دلداده خدا شود.

۲. روش تربیتی تضرع

تضرع به معنای التماس، درخواست با حالت افتادگی و ناتوانی است (آذرنوش، ۱۳۸۴) و چنان‌که می‌دانیم زیباترین، دل‌پذیرترین و نافذترین روش تربیت توحیدمدار تضرع و استغاثه به درگاه باری تعالی است. این روش تربیتی، روش تمام انبیا، اولیا و پیشوایان دین است، بی‌تردید وقتی جان، دل و زبان آدمی به یاد خدا باشد و جز خدای در آن نباشد و از سر نیاز و ناله و گریه با اخلاص خدا را بخواند، آن دل آماده دریافت انوار ربانی و تجلیات الهی می‌گردد. این روش نه تنها در خودتربیتی، بلکه در تربیت متربی نیز مورد توصیه مریبان بزرگ بوده است.

حضرت سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام) با آن زبان و دل نورانی و اخلاص مثال‌زدنی در آن زمان و مکان خاص در دعای عرفه به روش نافذ تطهیر نفوس و اکتساب فضایل یعنی روش تضرع و ابتهال تأکید کرده است، در اینجا به یک نمونه از نیایش تضرع‌آمیز سالار شهیدان اشاره می‌کنیم و سپس تحلیلی در این باره می‌آوریم:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتُكْشِفُ السُّوءَ وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَتُشْفِي السَّقِيمَ وَتُغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطَّلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ (دعای عرفه، مفاتیح الجنان).

ترجمه: خدایا، تویی که افراد مضطر را پاسخ می‌دهی و سختی و ناگواری را از آنان برطرف می‌سازی و غوطه‌وران در اندوه را نجات می‌دهی، و بیماران را شفا، فقیر را بی‌نیاز، شکسته دل را جبران و کودک را مورد رحم و بزرگسالان را یاری می‌دهی، پناهی جز تو نیست، و قدرتمندی بالاتر از تو وجود ندارد، ای خداوند بزرگ، ای رهایی‌بخش اسیران گرفتار در زنجیر، ای روزی‌دهنده کودک شیرخوار، ای پناه‌دهنده، پناه‌جوی ترسیده.

تحلیل: هر تضرع دوسویه است از یک‌سو درخواست بنده برای نجات از بیچارگی، اضطراب، ناگواری، بیماری، شکست و ناملایمات و از سوی دیگر اجابت باری تعالی به عنوان پناه‌دهنده، نجات‌دهنده، شفا‌دهنده، بلاگردان، ترمیم‌کننده شکست‌ها، حال در همه این موارد که افراد از بیچارگی‌ها، ناملایمات و مشکلات نجات پیدا می‌کنند آیا خداوند مستقیم دخالت می‌کند و یا علل و عوامل است که کارگر می‌شوند و بندگان را نجات می‌دهند؟ به نظر می‌رسد: یک آنکه سببیت را در علل و اسباب قرار داده، خداوند است. اوست که آب را آفرید، انسان را آفرید و ارگانسیم بدن او را به گونه‌ای قرار داد که با نوشیدن یک لیوان آب سیراب می‌شود، با خوردن غذا سیر می‌شود، با مصرف دارو، درمان می‌شود و با گریه و زاری روح او جلا پیدا می‌کند. باری خداوند مسبب‌الاسباب است و این سبب را آن سبب آورد پیش؛ مولانا جلال‌الدین می‌گوید:

کاین سبب را آن سبب آورد پیش بی سبب هرگز سبب کی شد ز خویش
این سبب را آن سبب عامل کند باز گاهی بی پر و عاطل کند
سنگ و آهن خود سبب آمد و لیک توبه بالاتر نگر ای مرد نیک
(علامه جعفری، نیایش امام حسین در صحرای عرفات، ص ۸۴).

دو) در مواردی نیز خداوند منان با رحمت خاصه خود مستقیم وارد می شود و دستگیری می کند؛ بیچارگی ها را چاره، بیماری ها را درمان. ندها را جواب، استغاثه ها را پاسخ و بی پناهان را پناه می دهد. چنان که در توکل به خدا نیز چنین است؛ یا در مدار علل و عوامل ظاهری و یا در مدار جریان غیرعادی دستگیری می کند.

۳. روش تربیتی ایجاد امید

یکی از روش های نافذ و مؤثر تربیت توحیدمدار، روش ایجاد امید است؛ این روش، حیات جدیدی در وجود آدمی می دمد، کسی که امیدوار است، با نشاط است، مثبت نگر است، بر حل مشکلات و نامایمات توانایی دارد. در برابر، ناامیدی از بزرگترین بلاها است که نه تنها موجب افسردگی و اضطراب می شود بلکه انگیزه ها را از بین می برد و آدمی را از تلاش در هر زمینه ای باز می دارد. در دعای عرفه از این روش پرمایه استفاده شد، و در دل و جان افراد امید و نشاط ایجاد کرده است، این روش نیز به یک نمونه از نیایش امیدساز اشاره می کنیم و سپس تحلیلی در این باره می آوریم.

يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُؤُوتِي يَا وَلِيَّيَ فِي نِعْمَتِي (دعای عرفه)
ترجمه: ای خداوندی که با حلم خود گناهان را بزرگ ما بخشیدی - ای خداوندی که با فضل و احسانت نعمت های بی شماری را ارزانی داشتی - و با کرم خود عطاهای بزرگ افاضه نمودی - ای آنکه یاری و نصرت او ذخیره سختی ها ماست - ای همدم تنهائیم - ای پناه من در سختی ها و گرفتاری ها - ای ولی نعمت من.

تحلیل: دنیا پر از فراز و نشیب است، در هنگام سختی و گرفتاری و تنهایی، درون آدمی را تاریکی ها فرا می گیرد و امیدها از همه جا قطع می شود و آرزوها و انتظارات همه و همه از بین می روند و هیچ روزنه ای از روشنایی دیده نمی شود، ناگهان نوری حیات بخش از کوی رحمت پروردگار درخشیدن می گیرد، نور امید، نور نشاط، نور حیات؛ چنان که گویی ناخودآگاه در انتظارش بوده ای، در این هنگام است که زندگی دوباره آغاز می شود و آدمی با شور و شوق و مهر و امید زندگی خود را سامان می دهد.

۴. روش مثبت‌اندیشی

یکی از عوامل مهم پرورش روح مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی است؛ از نظر لغت، خوش‌بینی یعنی با نظر خوب به امری نگریستن که مقابل بدبینی است. خوش‌بین و مثبت‌اندیش کسی است که همیشه به کارها به نظر خوب می‌نگرد (دهخدا، ۱۳۳۴، ج ۱، ص ۸۸۷۷) و در اصطلاح روان‌شناسی، افراد خودش‌بین و مثبت‌اندیش کسانی هستند که رویدادهای ناگوار و مشکلات را به‌درستی تفسیر و تبیین می‌کند و به علل و عوامل آن پی می‌برند و رویدادهای منفی را موقتی، کنترل‌پذیر و قابل حل می‌دانند و نسبت به مسائل روزمره زندگی نگرش مثبت دارند و همین امور آنها را قادر می‌سازد تا زندگی پُرنشاط داشته باشند.

اما افراد بدبین همواره به جنبه‌های منفی زندگی توجه دارند و به دلیل داشتن افکار بدبینانه و منفی، نسبت به آینده خودشان ناامید هستند و رویدادهای ناگوار را همیشه به خود نسبت می‌دهند و آنها را دائمی، پایدار و کنترل‌ناپذیر می‌دانند (موری ادوارد، ترجمه محمدتقی براهنی، ۱۳۶۳، ص ۲۱۳-۲۲۰).

در منابع اسلامی مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی دو قسم است؛ حُسن ظن و خوش‌بینی نسبت به خداوند و خوش‌بینی نسبت به مردمان، در دعای عرفه بیشتر به حسن ظن و خوش‌بین بودن به خداوند پرداخته شده و پایه‌های تربیتی توحیدی به گونه‌ای القاشده که در رویارویی با حوادث، مصائب و مشکلات و سختی‌ها قدرت تحمل آدمی بالا می‌رود و بسیار پرتوان می‌شود و مثبت‌اندیش و خوش‌بین می‌گردد. در این موضوع در این دعا بر چهار امر تأکید شده است:

۱. همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها از آن خداست و همه بدی‌ها و کوتاهی‌ها مربوط به عملکرد آدمی است و هیچ شر و بدی و بدخواهی در مورد خداوند فرض ندارد و این به معنای مثبت‌اندیشی و حسن ظن به خداست.

۲. انتظار کمک از سوی خداوند داشتن زیرا او تنها منبع و مبدأ قدرت، نصرت، رحمت، عافیت و شفاء است.

۳. آینده برای انسانِ موحد مثبت‌اندیش، روشن است و منتظر وقوع رویدادهای خوشایند در آینده است.

۴. در نگاه انسان مثبت‌اندیش و خوش‌بین، رویدادها و حوادث منفی موقتی و گذراست.

وَاعْتَنِي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْآيَامِ - وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ - وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ - اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي - وَمَا أَخَذَرْتُ فَقِنِي - وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاخْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي فَاخْفِظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُقْنِي - وَالِي غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي.

ترجمه: خدایا: هنگام سختی‌ها و مشکلات روزگار و دگرگونی‌ها و فراز و نشیب‌های شب‌ها و روزها یاری‌ام‌کن و از خطرهای هولناک دنیا و سختی‌های آخرت نجاتم ده و از شر ستمکارانی که در روی زمین فساد به راه می‌اندازند کفایتم فرما. خدایا: از آنچه می‌ترسم درامانم بدار، و از آنچه که بیم دارم حفظ نما و مرا در مورد نفسم و دینم حراست فرما و در سفر نگهدارم باش و دودمانم و اموالم را حفظ و حراست فرما و به جز خود به هیچ‌کس واگذارم مساز.

تحلیل: چنان‌که ملاحظه می‌شود خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی نسبت به خداوند در این جمله‌های گهربار موج می‌زند، زیرا خداوند دانای مطلق، توانای بی‌منتها و رحمت‌بیکران است و سوءظن و بدبینی نسبت به او جهل و نادانی و سفاهت است. پرواضح است ایمان و ارتباط و نیایش با خداوندی که جواد و کریم و رحمان و رحیم و خالق و رازق و بخشنده و بنده‌نواز است و هر مشکلی در برابر قدرتش آسان و هر امر پیچیده‌ای در برابر اراده‌اش هموار است، روح را پرورش و ظرفیت آدمی را بالا می‌برد و مایه آرامش، آسایش، امیدواری، اطمینان قلب و قدرتمندی می‌شود، امام امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: *حسن الظن راحة القلب و سلامة الدين* (غردالحکم، ص ۳۳۴)؛ خوش‌بینی مایه آرامش دل و سلامت دین است.

۵. روش آخرت‌گرایی

یکی از آموزه‌های بسیار مهم دینی ارتباط وثیق معادباوری با سبک رفتار انسان در دنیاست زیرا زندگی انسان در آخرت پیوسته و وابسته به زندگی او در دنیاست؛ اگر آدمی در دنیا اهل ایمان و عمل صالح باشد در آخرت سعادت‌مند خواهد بود و در آنجا زندگی خوشی خواهد داشت. اما چنانچه اهل ایمان و عمل صالح نباشد در آخرت شقاوت‌مند و به انواع عذاب گرفتار خواهد شد، بنابراین میان رفتار و اعمال آدمی در دنیا و جزای اخروی، رابطه علیت بلکه رابطه عینیت است و با این بیان ارتباط وثیق و عمیق معادباوری با تربیت، اخلاقی عرفانی به خوبی آشکار می‌شود و این نکته نیز به دست می‌آید که روش آخرت‌اندیشی و آخرت‌گرایی روشی نافذ و بسیار تأثیرگذار است. حضرت امام حسین سرور شهیدان علیه السلام در دعای عرفه این نکته کلیدی را گوشزد می‌کند که انسان مسئول است و باید در پیشگاه عدل الهی پاسخگو باشد. در اینجا به یک نمونه از دعای عرفه در زمینه آخرت‌گرایی همراه با تحلیل اشاره می‌کنیم.

أَتَاكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَأَتَاكَ الْحُكْمَ الْعَدْلَ الَّذِي لَا تَجُورُ وَعَدْلَكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِدُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ (مفاتیح‌الجنان - دعای عرفه).

ترجمه: خدایا: بی‌تردید تو از همه حوادث و امور بزرگ از من سؤال خواهی کرد، تویی آن داور دادگر حکیمی که هرگز ستم نمی‌کنی، و عدالت تو هلاک‌کننده من است و من از آن گریزانم. خدایا- اگر مرا عذاب کنی به خاطر گناہانی است که مرتکب شده‌ام پس از آنکه حجت را بر من تمام کردی و چنانچه از من درگذری به سبب بردباری وجود و گرم توست.

تحلیل: در این فراز آسمانی سخن از این است که آخرت روز حساب و پاداش و کیفر است و همین امر موجب می‌شود انسان راه درست را بشناسد و در مسیر صحیح زندگی گام بردارد و از آنچه سعادت او را صدمه می‌زند دست نگه دارد، علامه طباطبایی آخرت‌گرایی و معادباوری را عامل بی‌بدیل در هدایت و تصحیح رفتار می‌داند و در این باره می‌گوید: یگانه عامل بازدارنده انسان از لغزش و عصیان و نیروی وادارکننده به طاعت و عمل به دستورهای الهی ایمان به آخرت است و چنانچه ایمان به آخرت نباشد چنین نقشی از ایمان به خدا و رسول ساخته نیست (علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۹۰).

۶. التزام به اخلاق

منظور از اخلاق‌مداری این است که روش و سبک زندگی مسلمان اخلاق اسلامی باشد و همواره خود را از رذائل پیراسته و به فضایی بیاراید. بی‌تردید چنین رویه‌ای رفتار مسلمان را جهت می‌دهد و او را از گناه و عصیان بازمی‌دارد و به سوی عمل صالح و می‌دارد و رفتار او را تصحیح می‌کند. سرور آزادگان و شهیدان حضرت امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه به دو نکته کلیدی اخلاق اشاره فرموده است؛ یکی مراقبه و دیگری تقوا، این دو شاه‌کلید رسیدن به تربیت اخلاقی عرفانی است.

عبارت آسمانی حضرت امام حسین (علیه السلام) این است:

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ (مفاتیح‌الجنان- دعای عرفه)

ترجمه: خداوندا: مرا آن‌چنان کن که از تو خشیت داشته باشم آن‌سان که گویی تو را می‌بینم و تقوایی به من ده که به‌وسیله آن هدایت پرتوان و سعادت‌مند شوم.

تحلیل: ترسی که از سر علم و آگاهی و مشوب به تعظیم باشد خشیت است (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲، ص ۱۴۹). بر این اساس خشیت از خداوند آنجا پدید می‌آید که از سر معرفت و بصیرت، عظمت خدا در دل مؤمن نشستگی باشد و بداند او احاطه قیومیه بر همه موجودات و عوالم وجود دارد و تمامی رفتار، گفتار، نیات، خواطر و ضمائر آدمی را می‌داند و هیچ چیز از او پنهان نیست و همه چیز برای او مکشوف است، بی‌تردید چنین اعتقادی شخص را وامی‌دارد که مراقب رفتار و گفتار و زندگی خود باشد که از فرمان الهی سر برنتابد و به میثاقی که با خدا دارد وفادار بماند.

از سوی دیگر، چنان‌که می‌دانیم تقوا یعنی قدرت کنترل خویشتن رکن اساسی اخلاق اسلامی است و به گفته امیرمؤمنان علی (علیه السلام): التقی رئیس الاخلاق (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۲۸۴). تقوا رئیس اخلاق است و همه فضائل در تقوا جمع است و هر شخصی به وسیله تقوا می‌تواند صاحب همه فضائل بشود.

با این تحلیل به بلندای فرمایش سالار شهیدان پی می‌بریم که از خداوند خوف و خشیتی می‌خواهد که او را بدانجا برساند که گویا خداوند را می‌بیند، در فرهنگ دینی و عرفانی از مراقبت با عنوان احسان یاد شده است (فیض کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۱۵۵) و عارفان گفته‌اند احسان اسم جامع ابواب حقایق است و هر سالکی چون روشش و سیر و سلوکش احسان نباشد باب وصول به حقایق بر او گشوده نمی‌شود.

۷. روش محبت

تربیت عرفانی اخلاقی و پرورش روح به معنای واقعی ریشه در محبت خداوند دارد، محبت خداوند یعنی نفی خود و خودی و پرشدن جان و دل از نام و یاد خداست. پیداست چنین دلدادگی و سرسپردگی و تسلیم چون بر معرفت و اندیشه سترگ و باوری استوار مبتنی باشد، روح را چنان عظمت می‌بخشد و ظرفیت آن را بدان پایه بالا می‌برد که از همه تعلقات مادی، دنیوی و ماسوی الله رهایی می‌یابد و لذیذترین لذت‌ها و عظیم‌ترین مقام‌های معنوی را به دست می‌آورد و به انبساط و شادی و آرامش روحی غیرقابل توصیف نائل می‌شود و به عالم ربوبی بار می‌یابد.

حضرت امام حسین سرور و سالار عاشقان خدا در دعای عرفه از محبت خدا سخن گفته و دل‌ها را شیدای مبدأ جمال، خالق یکتا نموده است، در اینجا به یک نمونه از دعای عرفه در مورد عشق به خداوند همراه یک تحلیل اشاره می‌کنیم:

أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَجْبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ أَنْتَ الْمُؤَنَسُّ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ (مفاتیح‌الجنان - دعای عرفه)

ترجمه: خدایا: تویی که انوار ربوبی خود را در دل‌های اولیاء خود فروزان نمودی تا اینکه تو را شناختند و به یگانگی و یکتایی تو ایمان آوردند - تویی که از دل دوستانت اغیار را راندی و محو نمودی تا جز تو را دوست نداشته باشند و به غیر تو پناه نبرند - خداوندا: تویی که مونس اولیاییت می‌باشی، آنجا که عوالم وجود و رویدادها، آنها را به وحشت اندازد.

تحلیل: محبت به خدا کیمیای بی‌بدیل و اکسیر اعظمی است که چون در جان و دل آدمی بنشیند همه محدودیت‌های تنگ‌نظری‌ها، کم‌ظرفیتی‌ها را محو می‌سازد. بخل، حسادت، تکبر،

بدگمانی، پرخاشگری، کینه‌توزی، انتقام‌جویی و... را از ساحت جان و دل انسان محو می‌سازد؛ حضرت امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: حب الله اذا اضاء على سر عبد اخلاء عن كل شاغل و من كل ذكر سوى الله (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ص ۸۴). اگر محبت خدا جان و دل بنده‌ای را روشن سازد، آن دل را از هر نام و یاد و از هر دلدادگی جز نام و یاد خداوند خالی می‌کند.

و نیز می‌فرماید: وَ حَسِرْتُ صَفْقَهُ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيباً (مفاتیح الجنان- دعای عرفه) ترجمه: کالای آنکه از محبت تو نصیبی نبرد، زیان بار است، زیرا اساسی‌ترین، شیرین‌ترین، لذیذترین لذت‌ها محبت مبدأ عالم است.

و نیز: يا مَنْ اَذَاقَ اَحْبَاتَهُ حَلَاوَةَ الْمُوْا اَنْسَهُ قَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ (مفاتیح الجنان- دعای عرفه) ترجمه: خداوند! ای آنکه شیرینی انس خود را به دوستان چشاندی و آنان در پیشگاهت با کمال خضوع تملق‌گویان ایستادند (عاشقان خدا چون حالت اُنس را چشیدند زندگی آنان با لذت‌ها و شادی‌ای غیرقابل توصیف سپری می‌شود و هر دم جهانی پرطراوت در برابر آنها خودنمایی می‌کند حتی آنجا که سختی‌ها، ناملايمات و گرفتاری‌ها سراسر وجودشان فراگیرد اما انبساط روحی، امید و شادی همواره در جان و دل آنها فروزان است.

نتیجه‌گیری

نیایش با خدا مهم‌ترین و اساسی‌ترین عنصر حیات انسان است، و بدون آن تفسیر معقولی برای حیات زودگذر دنیوی نیست. بدان سبب که ارتباط با مبدأ عالم به انسان هویت می‌بخشد نیایش سرور و سالار شهیدان در عرفات با وجود مضامین متعدد و متکثر یک متن جامع و به‌هم پیوسته درباره توحید، تربیت توحیدی، تربیت اخلاقی عرفانی، پرورش روح، و وصال و لقاست؛ نتایج این پژوهش عبارت است از:

۱. رهاورد توحید، طهارت باطن، رهایی نفس از تعلقات مادی و دنیوی و نجات از بندگی و دلدادگی ماسوی الله است.
۲. یادآوری نعمت‌های خداوند و تضرع و استغاثه در پیشگاه خداوند روش‌های تربیتی انبیاء و اولیاء الهی در جهت تربیت انسان موحّد است و استفاده از این روش‌ها در تربیت اخلاقی و عرفانی نقش بی‌بدیل دارد.
۳. رسالت دعای عرفه ایجاد امید در اعماق روح آدمی است و هر دم حیات جدید می‌آفریند و آدمی را مثبت‌اندیش، پرتوان، سرشار از نشاط و آرامش می‌سازد.
۴. انسان مثبت‌اندیش همیشه به امور به نظر خوب می‌نگرد و رویدادهای ناگوار و مشکلات را به درستی تفسیر می‌کند و آنها را موقتی و کنترل‌پذیر و قابل حل می‌داند. کلید روش

مثبت‌اندیشی ایمان و انس با خداست که جواد و کریم و رحمان و رحیم و خالق و رازق و بخشنده و بنده‌نواز است و هر مشکلی و سختی در برابر قدرتش آسان و هر امر پیچیده‌ای در برابر اراده‌اش هموار است.

۵. تربیت اخلاقی عرفانی و پرورش روح به معنای واقعی ریشه در محبت خداوند دارد؛ زیرا اگر محبت خدا جان و دل آدمی را فراگیرد همه محدودیت‌ها تنگ‌نظری‌ها، کم‌ظرفیتی‌ها را محو می‌سازد، رذایل را می‌شوید بلکه دل را از هر نام و یاد و از هر دلدادگی جز نام و یاد خدا خالی می‌کند.

منابع

* قرآن کریم

۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۴)، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، اقبال الاعمال، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق)، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. راغب اصفهانی، ابی القاسم (۱۳۳۲)، المفردات، تهران: المكتبة المرتضویه.
۵. آملی، سیدحیدر (بی تا)، جامع الاسرار و منبع الانوار، تهران: انجمن ایران شناسی.
۶. بهشتی، محمد (۱۳۹۸)، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، (امام خمینی) ج ۶، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه دهخدا.
۸. سیدابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، اقبال الاعمال، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۹. سیدابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۵)، مصباح الزائر، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۰. صافی، لطف الله (۱۳۷۸)، نیایش در عرفات، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات جامعه مدرسین.
۱۲. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۳ق)، الحقایق فی محاسن الاخلاق، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۴۲ق)، الکلمات المکنونه، تهران: انتشارات فراهانی.
۱۴. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۸۳ق)، المحجّة البيضاء، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۸ق)، النخبة فی الحکمة الالهیه و الاحکام الشرعیه، قم: سازمان تبلیغات.
۱۶. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۷)، علم الیقین، قم: انتشارات بیدار.
۱۷. قمی، شیخ عباس (بی تا)، مفاتیح الجنان، انتشارات اسلامی، تهران.
۱۸. کلینی، محمد (۱۳۶۵ش)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، دانشنامه امام حسین (علیه السلام)، قم: سازمان چاپ و نشر، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

۲۱. موری، ادوارد (۱۳۶۳)، انگیزش و هیجان، ترجمه محمدتقی براهنی، تهران: شرکت سهامی چهر.
۲۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۰)، آداب‌الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۲۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۱)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.